

مدل لاکاتوش-کوهن، به مثابه مدلی روش‌شناختی جهت نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

اسدالله گنجعلی*

احمد پارسازاده**

چکیده

مسئله جدی و بنیادین در مطالعات علوم انسانی، خصوصاً مطالعات تلفیقی، مشخص و متفح نبودن مدل روش‌شناختی جامع است، به طوری که بتوان با آن، نظریه‌های منفرد حوزه‌های تلفیق را به مثابه ساختار منظمی، مرتبط و منسجم کرد.

در این مقاله با تبیین موانع روش‌شناختی سه عنوان مهم‌ترین مانع در توسعه علوم انسانی-مطالعات میان‌رشته‌ای خصوصاً در علوم انسانی، آسیب‌شناسی می‌شود و با بیان اینکه مهم‌ترین آسیب، «حصرگرایی روش‌شناختی» است، «کثرت‌گرایی روش‌شناختی» در چارچوب مطالعات میان‌رشته‌ای، به عنوان راه‌حل برون‌رفت از این مشکل، عرضه می‌شود. نتیجه این راه‌حل‌یابی، طراحی مدلی مفهومی تلفیقی به روش کتابخانه‌ای است. مدلی تلفیقی لاکاتوش-کوهن به مثابه مدلی روش‌شناختی، کمک می‌کند که تناسب و ترابط حوزه مطالعات اسلامی و حوزه مدیریت رایج، بهتر درک شود و زمینه نظریه‌پردازی در مطالعات میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی فراهم آید.

فرضیه اصلی این مقاله، به منظور تبیین مدلی مفهومی تلفیقی عرضه‌شده، این است که عموم مطالعات مدیریت اسلامی، جزءگرایانه و بدون برنامه پژوهشی، انجام شده است. در واقع، در دو پارادایم اسلامی و مدیریت رایج، صرفاً خرده‌نظریه‌ها، عاری از ترابط و تناسب‌شان تطبیق و تلفیق شده است. این فرضیه با استفاده از روش تحلیل محتوا در پیشینه نظری و آثار برگزیده مدیریت اسلامی در ایران در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ بررسی و تأیید شده است.

واژگان کلیدی

مطالعات رشته‌ای، حصرگرایی روش‌شناختی، مطالعات میان‌رشته‌ای، کثرت‌گرایی روش‌شناختی، برنامه پژوهشی لاکاتوش، پارادایم، مدیریت اسلامی، تحلیل محتوا

ganjali@isu.ac.ir

parsazadeh@isu.ac.ir

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

** کارشناس ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی، دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

بحث «موانع بازدارنده توسعه علوم انسانی» در دو مقام، طرح کردنی است: مقام تعریف^۱ و مقام تحقق^۲ (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳ ب). اصولاً هر دانشی در مقام تعریف، پای‌بند ساختار منطقی، تحلیل گزاره‌ها، ادعاها، استدلال‌ات و ساختار زبان‌شناختی آن است؛ ولی در مقام تحقق، زمینه‌ها، کارکردها و آثار انضمامی آن، کاوش می‌شود. درباره علوم انسانی نیز، آنجا که پای‌بند ساختار منطقی-تحلیلی و مرتبط با گزاره‌های آن باشیم، در مقام تعریف، قدم گذاشته‌ایم، و آنجا که در مقام تحقق باشیم، نگاه انضمامی داشته‌ایم و آن را در بستر فرهنگ جامعه علمی در سطوح متفاوت ملی، منطقه‌ای و جهانی، مد نظر قرار داده‌ایم. برای حل معضلات علوم انسانی در مقام تعریف (تحقیق)، باید به دنبال موانع روش‌شناختی و موانع مفهومی در ساختار منطقی-تحلیلی این علوم باشیم؛ در حالی که برای حل معضلات علوم انسانی در مقام تحقق، باید به برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت منابع مادی و انسانی و ایجاد تغییر در فرهنگ علمی، طی سلسله‌ای از مطالعات تجربی و مفهوم‌سازی‌های بنیادین بپردازیم که به طراحی مدل‌های مفهومی برای اقدام می‌انجامد.

در این نوشتار، ضمن پرداختن به موانع روش‌شناختی در مقام تعریف (تحقیق)، نشان می‌دهیم که مدل روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای، نیازمند توجه به موانع در مقام تحقق، مانند ایجاد بستر و فضای اجماع نظر در میان عالمان است. به عبارت دیگر، می‌توان این گونه بیان کرد که توسعه هر دانشی، خواه در مقام تعریف (تحقیق) و خواه در مقام تحقق، نیازمند توجه یکپارچه و کل‌نگرانه به ابعاد آن دانش است، به طوری که نمی‌توان از توسعه دانشی صحبت کرد و از یکپارچه‌سازی ابعاد و وجوه آن، غافل ماند؛ چرا که، در غیر این صورت، دچار «بهینه‌سازی بخشی^۳» می‌شویم.

پیش‌فرض کلان این نوشتار آن است که توسعه علوم انسانی، خصوصاً علومی مانند مدیریت، در گروی متقن شدن اصول و مدل‌های روش‌شناختی آن است. همچنین، در این نوشتار نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان «مطالعات تطبیقی^۴» دانش مدیریت و علوم اسلامی را به «مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای^۵» تبدیل کرد.

Sanjesh3

۱. کلیات پژوهش

۱-۱. بیان مسئله

با توجه به ضرورت و اهمیت نظریه‌پردازی در حوزه مدیریت اسلامی و بومی‌سازی مدیریت در کشورمان، شاهد آن هستیم که تاکنون مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران به ایجاد پارادیم معرفتی و توسعه برنامه پژوهشی، منجر نشده است. به عبارت دیگر، نظریه‌ها در قالب برنامه‌ای از پیش تعریف‌شده، کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند و ساختار منظم و منسجمی پیش روی عالمان این حوزه نیست. این موضوع، خود، معلول فقدان مدل روش‌شناختی است.

فقدان مدل روش‌شناختی در تحقیقات مدیریت اسلامی باعث شده است که جایگاه هر یک از خرده نظریه‌های دو حوزه مدیریت رایج و علوم اسلامی مشخص نباشد. بدین ترتیب، مطالعات مدیریت اسلامی که ماهیتاً میان‌رشته‌ای است، به صورت تطبیقی یا تلفیقی در سطح خرده‌نظریه‌ها باقی می‌ماند.

۲-۱. سؤالات پژوهش

- ۱- مدل روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه مدیریت اسلامی، چه ابعادی دارد؟
- ۲- آیا مطالعات مدیریت اسلامی، تاکنون به ایجاد پارادیم معرفتی انجامیده است؟ به عبارت دیگر، آیا پارادیم مدیریت اسلامی، ایجاد شده است؟

۳-۱. فرضیات پژوهش

- ۱- مدل روش‌شناختی لاکاتوش-کوهن، مدلی مفهومی از برنامه‌ای است که می‌تواند به ایجاد ساختاری منظم و منسجم در مطالعات میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی کمک کند.
- ۲- مطالعات مدیریت اسلامی در ایران، جزء‌گرایانه و فاقد برنامه جامع روش‌شناختی است. بنابراین، تاکنون پارادیم مدیریت اسلامی، شکل نگرفته است.

۴-۱. نوع پژوهش و روش گردآوری اطلاعات

نوع تحقیق به لحاظ هدف، توصیفی-کاربردی است، زیرا در تلاش است، با عرضه مدل مفهومی، بستری را برای نظریه‌پردازی در حوزه مدیریت اسلامی فراهم کند. از نظر روش

گردآوری اطلاعات، در بخش طراحی مدل مفهومی تلفیقی، از روش کتابخانه‌ای، و برای تبیین مدل، از روش تحلیل محتوای آثار و پیشینه نظری مدیریت اسلامی در ایران طی دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ استفاده شده است.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. آسیب‌شناسی مطالعات رشته‌ای

در علمی مانند مدیریت و به طور کلی علوم انسانی که از مفاهیم «چندتباری»^۶ استفاده می‌شود، نبود مدل روش‌شناختی پویا، عالمان این علوم را یا به «انحصارگرایی روش‌شناختی»^۷ و یا به «کثرت‌گرایی آشوبناک»^۸ می‌کشاند.

در فیزیک کلاسیک، با مطرح شدن این دیدگاه که از طریق تقسیم مسائل به اجزای تشکیل‌دهنده آن، بهتر می‌توان مسائل را حل کرد، زمینه‌ای برای تخصصی شدن علوم فراهم آمد. تنوع و تعدد حوزه‌های علمی در علوم طبیعی، از دیدگاه دانشمندانی نشئت گرفت که باور داشتند مسائل موجود در قلمروی مورد نظر آنان، از طریق تقسیم و تجزیه، بهتر حل‌شدنی است. به زعم آن‌ها، شناخت و درک پدیده‌های جهان واقعی، وام‌دار این تقسیمات کم‌ویش قراردادی است (رضائیان، ۱۳۸۳، ص ۹).

رشد بیش از حد و تفکیک علوم، علاوه بر توسعه بخشی، لوازم «بیهینه‌سازی بخشی» را نیز فراهم کرده است. بدین ترتیب، می‌توان آثار و لوازم تخصصی شدن و تقسیم مرزهای علوم را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف- توسعه علوم طبیعی به سبب روش‌شناسی تحلیلی، و عقب‌ماندگی علوم انسانی به دلیل نداشتن روش‌شناسی متناسب با خودش (روش‌شناسی حل مسائل چندتباری).

ب- تعلق خاطر محققان به گستره‌ای معین: این تعلق خاطر، مستلزم وابستگی محقق به چارچوبی مفهومی و روش‌ها و پارادیم‌های غالب در آن گستره است. گویی محقق، مقلدوار به سنت موجود در گستره خود، وابسته می‌شود و فراتر از آن را نمی‌بیند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۴۴). تعلق خاطر عالمان، به رشته مورد مطالعه‌شان که غالباً تحت روش‌شناسی پیشینی و از قبل برنامه‌ریزی شده است، باعث برخورد «کلشه‌ای»^۹ آنان با

مفاهیم چندتباری می‌شود. در حالی که مفاهیم چندتباری، نیازمند مدلهای روش‌شناختی منعطف و متکثر است.

تعلق خاطر محققان به ابزارها، روش‌ها و پارادیم‌های حاکم و برخورد کلیشه‌ای با آنها تبعاتی نیز دارد؛ از جمله، جزء‌گرایی، جزء‌نگری، غیرواقع‌نگری و یک‌سونگری که همگی ناشی از تقطیع علوم است. مثلاً، «پارادیم حاکم»^{۱۱} بر دانش مدیریت که پارادیم «کارکردگرا»^{۱۲} است و شامل دو شاخه کلاسیک و نئوکلاسیک می‌شود، مبتنی بر «عقلانیت ابزاری»^{۱۳} است. این پارادیم، در رهیافت کلی خود، به دنبال فراهم کردن تبیین‌هایی واقعاً عقلانی در امور اجتماعی است. به علاوه، کاملاً عملگراست و به دانش کاربردی، اهتمام دارد. از این حیث، رهیافتش نسبت به «دانش»^{۱۴}، غالباً «مسئله‌محور» است و به کنترل و نظم‌بخشی اثربخش تکیه دارد (بارل و مورگان، ۱۳۸۳، ص ۴۴).

بنابراین، رفتار عقلانی در پارادیم مزبور به معنی حداکثر کردن کارایی و اثربخشی عقلانی و رفتار در جهت اهداف سازمانی است. به بیان دیگر، برای اینکه فرد، عقلانی عمل کند، باید از الگوی رهبران سازمان یا «گروه کنترل‌کننده سازمان» تبعیت کند (دنهارت، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵). این پارادیم فکری و نظریه‌پردازی که در این پارادیم قرار می‌گیرند، نسبت به روش‌های تفسیری در مطالعات سازمان و مفاهیمی چون عدالت، برابری، آزادی، و «ارتباطات بین اذهانی»^{۱۵}، غافل و جاهل هستند.

ج- انکار و نفی اعتبار هر روش و رهیافت دیگر: نظریه‌پردازی که در چارچوب فکری پارادیم کارکردگرا، به مطالعه سازمانی می‌پردازند، نه تنها نسبت به دستاوردهای صاحب‌نظران «فرانوگرا»^{۱۶} بی‌اعتنا هستند، بلکه منکر رهاورد آنها در زمینه سازمان می‌شوند و روش‌شناسی آنها را غیرعلمی و خطایی (لفاظی)^{۱۷} قلمداد می‌کنند.^{۱۸} نادیده انگاشتن «نگاه کل‌گرایانه»^{۱۹} و کتمان هر گونه تعامل و تأثیر و تأثر متقابل میان رشته‌های دیگر، از تبعات این اثر است.

مجموع دو اثر فوق (تعلق خاطر به رشته و گستره‌ای معین، و انکار رهاوردهای دیگران) «حصرگرایی روش‌شناختی»^{۲۰} نامیده می‌شود. حصرگرایی روش‌شناختی، محقق را در زندان رهاوردهای خود، محصور و او را از رؤیت و کشف حقایق دیگر، محروم می‌کند (فرامرز

قراملکی، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۴۶). مغالطه «کنه و وجه»^{۲۰}، نتیجه حصرگرایی روش‌شناختی است.

د- تحویل‌نگری^{۲۱}: به این معناست که امور، به چیزی فروتر از آنچه حقیقتاً هست، کاهش داده شود. نظریه‌پردازانی چون فروید، مارکس، هگل و ... -که نظریه‌های آن‌ها، علاوه بر رشته تخصصی‌شان، در سایر رشته‌ها نیز محوری و مهم تلقی می‌شود- از بزرگ‌ترین تحویل‌نگرهای عصر حاضرند. در واقع، شاید بتوان مدعی شد که علوم جدید، بزرگ‌ترین قربانی تحویل‌گرایی هستند. این پندار که تاریخ «چیزی نیست جز»^{۲۲}، دچار تحویل‌نگری شده است.

پنداشت سازمان به مثابه ماشین بی‌روح، مغز و یا استعاره ابزار سلطه و سازمان به مثابه فرهنگ (ر.ک: مورگان، ۱۹۹۷)، همگی به علت انحصار روش‌شناختی در مطالعه سازمان، در دام مغالطه «چیزی نیست جز» و تن دادن به تحویل‌گرایی، گرفتار شده‌اند. اصولاً، درک استعاره‌ای، از پدیده‌ها، نه شدت تحویل‌نگر است و تبعیت از یک استعاره، به معنی نادیده انگاشتن سایر استعاره‌هاست. «مثلاً، استعاره ماشین، متکی به شباهت‌های بین ماشین‌ها و سازمان‌هاست و جنبه‌های انسانی سازمان، نظیر احساس و نمادگرایی را نادیده می‌گیرد. گسترش بیش از حد استعاره ماشین، افراد را به این رهنمون می‌سازد که درباره چگونگی «مهندسی» تعهد یا فرهنگ به گفت‌وگو بپردازند. این عمل، درک ساده‌انگارانه یا گمراه‌کننده‌ای از تعهد و فرهنگ عرضه می‌کند و این دو را به حدی ساده و مکانیکی تصور می‌کند که مدیران می‌توانند آن‌ها را کنترل کنند» (هیچ، ۱۳۸۵، ص ۹۷).

۲-۲. مطالعات میان‌رشته‌ای

در مقابل «مطالعات رشته‌ای»^{۲۳}، مطالعات میان‌رشته‌ای قرار دارد. اگر حصرگرایی روش‌شناختی، اصل محوری در فرقه‌گرایی دانشگاهی^{۲۴} و تقطیع علوم باشد، مطالعات میان‌رشته‌ای به لحاظ روش‌شناختی، کثرت‌گراست. کثرت‌گرایی خود دو گونه دارد:

۱- کثرت‌گرایی آشوبناک که سرانجامی جز حیرت و التقاط ندارد.

۲- کثرت‌گرایی روشمند که این نیز خود بر دو قسم است: کثرت‌گرایی مبتنی بر الگوهای ایستا (مکانیکی)، و کثرت‌گرایی مبتنی بر الگوهای پویا (دینامیکی) (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۵۲).

۲-۳. ساختار انقلاب‌های علمی کوهن

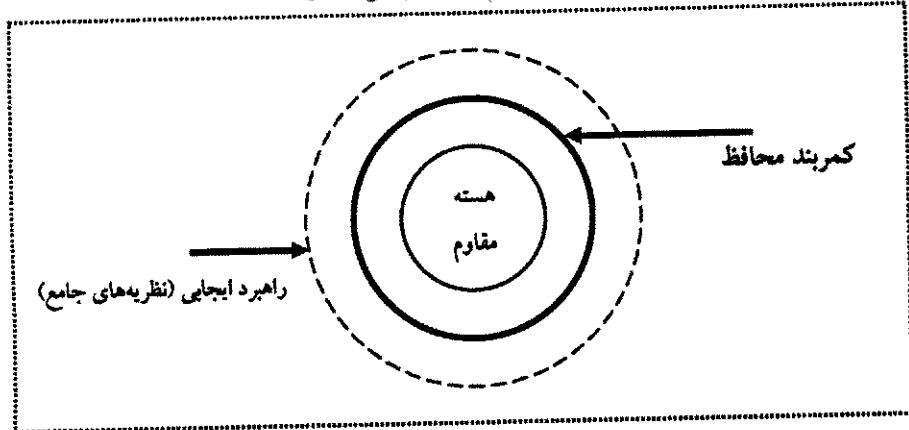
تصور کلیشه‌ای و عمومی از علم آن بود که عالمان، نظریه‌های علمی را به مصاف مشاهدات تجربی می‌برند و آن‌ها را تأیید یا رد می‌کنند و بدین ترتیب، کاروان علم در حرکت تاریخی خویش، بدون هر گونه تعصبی، بر خلاف مذهب، پیش می‌رود. اثبات‌گرایان و نوابات‌گرایان معتقد بودند که گرچه ممکن است مذهب و متافیزیک در مقام «گردآوری»^{۲۵} اطلاعات تأثیرگذار باشد، اما در مقام «داوری»^{۲۶} و تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات، بی‌تأثیر است (ر.ک. چالمرز، ۱۳۷۹). تامس کوهن^{۲۷}، مورخ شهیر علم، احتجاج کرده است که ما هرگز نمی‌توانیم نظریه‌ای را به طور انفرادی، آزمایش کنیم، بلکه داده‌های علمی به شدت به پارادیم‌های غالب وابسته است. کوهن، در نخستین چاپ کتابش، مفهوم «پارادیم» را یکنواخت و هماهنگ به کار نمی‌برد. بنا بر تحقیقات مارگارت ماسترمن^{۲۸}، کوهن، این واژه را به ۲۱ معنای متفاوت به کار برده است (لاکاتوش، ۱۳۷۵).

اما در معنایی کلی و عمومی، پارادیم، «نمونه‌های استاندارد کار علمی که حاوی مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های مفهومی و روان‌شناختی است» (باربور، ۱۳۸۴) تعریف می‌شود. کوهن که از علم، تلقی جامعه‌شناختی دارد، بیان می‌کند که این، پارادیم‌ها هستند که سؤالات ما را جهت می‌دهند و عالمان در دوره «علم عادی»^{۲۹} صرفاً «حل معما»^{۳۰} می‌کنند. کوهن، دقیقاً مشخص نمی‌کند که کدام قسمت از ساختار علم، ابطال‌ناپذیر است و کدام قسمت آن در حال پیشرفت. «دانشمندان درون پارادیم از روش‌هایی بهره می‌گیرند که پارادیم در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. پارادیم، درون علم عادی، توسعه و بسط می‌یابد. معمولاً دانشمندان از پیش‌فرض‌های روش‌شناختی پارادیم، آگاهی تفصیلی ندارند و از آن دانش ضمنی دارند» (چالمرز، ۱۳۷۹، صص ۱۰۹-۱۱۳). «نحوه‌ای که دانشمندان، چهره خاصی از جهان را می‌بینند، مبتنی بر پارادیمی است که در آن کار می‌کنند» (چالمرز، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

پارادیم، حتی سؤالات عالمان را هم فراهم می‌کند. کوهن ادعا می‌کند که پذیرش و تغییر پارادیم، شبیه پذیرش و تغییر مذهب است. پارادیم‌ها، علاوه بر پیش‌فرض‌های مابعدالطبیعی، شامل سلسله‌ای از توصیه‌های روش‌شناختی نیز هستند و از این نظر، به برنامه پژوهشی لاکاتوش شباهت دارد.

۴-۲. برنامه پژوهشی لاکاتوش

لاکاتوش در تکمیل کار کوهن معتقد است که محققان، آن قدر آزاد و مختار نیستند که کاملاً دلخواه عمل کنند. آن‌ها دارای یک برنامه راهبردی تحقیقاتی هستند که مشخص می‌کند کاوش‌های کنونی و آینده آن‌ها، چگونه باید باشد. این برنامه پژوهشی، سلسله‌ای از «راهبردهای سلبی^{۳۱}» و «راهبردهای ایجابی^{۳۲}» دارد (گلاس و جانسون، ۱۳۷۳، ص ۱۹۳). راهبرد سلبی این برنامه شامل استخوان‌بندی آن است که نباید به هیچ‌وجه جرح و تعدیل و یا ابطال شود. مفروضات اساسی در «هسته مرکزی^{۳۳}» برنامه قرار دارد. این هسته مرکزی یا مقاوم را «کمربند محافظ^{۳۴}»، از ابطال مصون نگه می‌دارد؛ کمربندی که شامل مجموعه‌ای از «فرضیه‌های کمکی^{۳۵}» است. راهبرد ایجابی برنامه، شامل نظریه‌های جدیدی است که به استخوان‌بندی برنامه اضافه می‌شود و از پیش‌بینی‌های بدیعی برخوردار است که امکان توسعه و پیشرفت علم را فراهم می‌آورد (چالمرز، ۱۳۷۹، صص ۹۸ و ۹۹).



نمودار ۱. مدل برنامه پژوهشی لاکاتوش (چالمرز، ۱۳۷۹، ص ۹۸)

لاکاتوش معتقد است، اینکه چه گزاره‌هایی، هسته مقاوم باشد، با تصمیم روش‌شناختی عالمان به دست می‌آید. اما نمی‌گویید که گزاره‌ها و اصول هسته مقاوم باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و چگونه می‌توان درباره آن‌ها به اجماع رسید. او بر این باور است که عالمان بر اساس نامه‌ای نانوشته که هم درباره چگونگی پیشروی و هم درباره چگونگی پیش نرفتن صحبت می‌کند، راهنمایی‌هایی را به دست می‌آورند.

برای برنامه پژوهشی در دانش مدیریت می‌توان بیان کرد که عقلانیت ابزاری، هسته مقاوم این دانش است که محور و پارادایم فکری غالب یا «فرانظریه»^{۳۶} این علم محسوب می‌شود و دارای مؤلفه‌های کارایی و اثربخشی سازمانی است. نظریه‌های «انسان‌داری» سایمون و «انسان اقتصادی»، فرضیه‌های کمکی آن است که مانع ابطال نظریه و اصل عقلانیت می‌شود. نظریه انسان‌داری سایمون با طرح «عقلانیت محدود»^{۳۷}، رفتار عقلانی انسان اقتصادی را -که در پی حداکثر کردن کارایی بود- جرح و تعدیل کرد. وی در این زمینه، بیان می‌کند: «نخست آنکه انسان‌داری -چون به دنبال کامل‌ترین راه‌حل نیست، بلکه به دنبال رضایت‌بخش‌ترین است- می‌تواند بدون بررسی همه راهکارها، گزینه مطلوب خویش را انتخاب کند. دوم آنکه قادر است تصمیمات خود را با قوانین سرانگشتی نسبتاً ساده، اتخاذ کند» (Simon, 1957, p. XXXVI).

لاکاتوش، خود، چنین مثال می‌زند: «اگر سیاره‌ای چنانچه باید، حرکت نکند، دانشمند نیوتنی، حدسیات خود را در مورد انکسار جوی یا انتشار نور در طوفان‌های مغناطیسی که فرضیات کمکی برنامه پژوهشی او هستند، از نو بررسی می‌کند. در غیر این صورت، ناچار است، سیاره ناشناخته‌ای را اختراع کند و سرعت و وزن او را حساب کند تا به کمک آن، ناهنجاری برنامه را توضیح دهد» (لاکاتوش، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲).

برای تبیین بیشتر ابعاد سه‌گانه برنامه پژوهشی لاکاتوش (هسته مقاوم، کمربند محافظ و راهبردهای ایجابی)، برنامه پژوهشی اقتصاد خرد، به عنوان نمونه، در جدول ۱، بررسی شده است:

جدول ۱. برنامه پژوهشی اقتصاد خرد به عنوان نمونه بر اساس برنامه پژوهشی لاکاتوش (کلاس و جانسون، ۱۳۷۳، صص ۹۴-۱۰۴)

هسته مقاوم	کمریند محافظ	راهبردهای ایجابی
- فردگرایی - عقلانیت - رفتار اقتصادی - حقوق - مالکیت - خصوصی - اقتصاد بازار	- بازار رقابت کامل - کامل بودن اطلاعات - کارگزاران اقتصادی - دنبال کردن حداکثرسازی سود - به دست شرکت - «گیرنده قیمت» - بودن تولیدکننده	- ساختار بازار را به نحوی تعیین کنید که هیچ کدام از کارگزاران اقتصادی، هیچ تأثیر محسوسی بر قیمت نداشته باشند. - محیط بازار را به نحوی طراحی کنید که کارگزاران، اطلاعات کامل داشته باشند. - اهداف هر کنشگر اقتصادی را چنین معین کنید: مصرف کنندگان به حداکثر مطلوبیت و تولیدکنندگان به حداکثر منفعت برسند. - محدودیت‌های هر کنشگر را چنین تعیین کنید: ثابت بودن درآمد، معین بودن قیمت کالاها، فناوری ثابت، ثابت بودن هزینه تأمین مواد اولیه. - شرایط دیگر را ثابت فرض کنید و متغیرهای دیگر مانند تغییرات محیطی را حذف کنید.

۳. طراحی مدل مفهومی

در اینجا سعی می‌شود که با تلفیق مدل «روشن‌شناسی علمی برنامه پژوهشی»^{۲۸} لاکاتوش و مدل پارادایمی کوهن در «ساختار انقلاب‌های علمی»^{۲۹} مدلی پویا برای روشمند کردن نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی عرضه شود.

۳-۱. تلفیق برنامه پژوهشی لاکاتوش و پارادایم کوهن

بررسی برنامه پژوهشی لاکاتوش و پارادایم کوهن، ذکر چند گزاره را برای طراحی مدل مفهومی تلفیقی خاطر نشان می‌کند:

۱- هر دو بر لزوم تحلیل علم به مثابه ساختار منظم (و نه بر اساس نظریه‌های منفرد) تأکید می‌کنند.

۲- در دوره علم عادی کوهن، عالمان، فرض‌های پایه و چارچوب‌های فکری متداولی را می‌پذیرند که همان هسته مقاوم لاکاتوشی تشکیل می‌دهد و همگی بر آن‌ها اجماع دارند و می‌کوشند آن‌ها را از ابطال و جرح و تعدیل مصون دارند.

۳- هر دو بر این تأکید می‌کنند که هسته مقاوم یا چارچوب‌های فکری، نقش تنظیم‌کننده‌ای در نظریه‌پردازی دارند؛ به طوری که با تغییر هسته مقاوم (با چارچوب فکری کوهن)، نظریه‌ها، ماهیتاً دچار «تغییر گشتالتی»^{۳۰} می‌شوند که کوهن آن را به تغییر مذهب،

تشبیه کرده است. رها کردن هسته مقاوم برنامه پژوهشی، به معنی رها کردن کل برنامه پژوهشی است و این همان تغییر پارادیم کوهن است. لاکاتوش در این باره نظریه گرانث نیوتن را شرح می‌دهد که موفق‌ترین برنامه پژوهشی بوده است. سپس گرایش فیزیک‌دانان را پس از سال ۱۹۰۵ برای پیوستن به اردوی نظریه نسبیت بررسی می‌کند (Lakatos, 1978).

۴- همانند کوهن که معتقد است در علم عادی، عالمان از ابطال چارچوب‌های فکری بر حذر داشته می‌شوند، لاکاتوش نیز معتقد است، فرضیه‌های کمکی از هسته مقاوم محافظت می‌کند.

۵- همان‌طور که در علم عادی، پارادیم فکری نضج پیدا می‌کند، راهبرد ایجابی لاکاتوش به طور دقیق‌تر بر پیشرفت علم تأکید دارد. کوهن نیز می‌گوید: «اگرچه اصطلاحاتی که او به کار برده، متفاوت است، اما ابزار تحلیلش به مقداری که ضرورت ایجاب می‌کند، با ابزارهای مورد استفاده من، قرابت دارد. هسته مقاوم و فعالیت در کمربند حفاظتی، معادل‌هایی برای پارادیم و علم عادی هستند» (kuhn, 1972, p. 139).

۳-۲. نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی بر اساس مدل تلفیقی لاکاتوش-کوهن
مدل مفهومی تلفیقی این مقاله، به دلایل زیر، قابلیت فراهم ساختن بستر نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی را دارد:

۱- به سبب چندتباری بودن مفاهیم در مدیریت، می‌توان از مفاهیم مدیریتی، تبیینی دینی، عرضه کرد.

۲- تبیین دینی از مفاهیم مدیریتی، به معنای اخذ هسته مقاوم و چارچوب‌های فکری (پارادیم) دانش مدیریت از متون اسلامی است.

۳- چرخشی گشتالتی میان دانش مدیریت و مدیریت اسلامی وجود دارد، چون چارچوب‌های فکری و هسته مقاوم این دانش‌ها با یکدیگر متفاوت است.

۴- مطالعات مدیریت اسلامی با مدل روش‌شناختی کوهن-لاکاتوش، مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای، روشمند و پویاست.

۵- پویا بودن مدل لاکاتوش-کوهن به سبب داشتن راهبردهای ایجابی است. این راهبردها، نظریه‌هایی را که در دانش مدیریت غربی مطرح است و به هسته مقاوم و

چارچوب‌های فکری دانش مدیریت اسلامی خدشه وارد نمی‌کند، درون پارادیم خویش (پارادیم مدیریت اسلامی) هضم و جذب می‌کند.

۶- راهبرد سلبی مدیریت اسلامی، نظریه‌هایی که مغایر، متباین و ناهمخوان با هسته مقاوم و چارچوب‌های فکری دانش مدیریت اسلامی است، کنار می‌گذارد.

۷- فرضیه‌های کمکی در مدل مفهومی مذکور، فرضیه‌هایی است که گزاره‌های محوری هسته مقاوم (استخوان‌بندی دانش مدیریت اسلامی) را از ابطال مصون می‌دارد. مثلاً اگر «عدالت حق‌مدار»^{۱۱}، هسته مقاوم مدیریت اسلامی تلقی شود، آن گاه «قاعده نفی سبیل» یا «نظریه مصلحت» امام خمینی (ره) و یا «نظریه عدالت پسااحکامی»، فرضیه‌هایی کمکی است که از ابطال هسته مقاوم «عدالت حق‌مدار» جلوگیری می‌کند.

۸- در مدل لاکاتوش-کوهن در مدیریت اسلامی، دین (به طور اخص اسلام) گزاره‌های محوری و چارچوب فکری مدیریت اسلامی را مستقیماً تعریف و مشخص می‌کند و با کمربند محافظی آن را محافظت می‌کند و نسبت به نظریه‌های مطروح در دانش مدیریت (غربی)، دستورالعمل‌هایی را صادر می‌کند که:

الف- هسته مقاوم در مدیریت اسلامی^{۱۲} را ابطال و یا جرح و تعدیل نکند (متعارض نباشد).

ب- نسبت به هسته مقاوم ناهمخوان و ناسازگار نباشد.

ج- در جهت بسط و تقویت پارادیم چارچوب فکری و هسته مقاوم مدیریت اسلامی باشد.

۳-۳. عدالت به مثابه کلان‌نظریه^{۱۳} در هسته مقاوم دانش مدیریت اسلامی

بشر از دیرباز و فطرتاً، در پی تحولات اجتماعی و نهادی جوامع و پیچیدگی روابط سازمانی و شغلی، عدالت را آرمان و غایت قصوای خویش تلقی کرده است. تحقق عدالت در جوامع، نهادها و سازمان‌ها، پایه مشروعیت قدرت حاکم، تلقی می‌شده است. عدالت، یکی از ساخت‌های مفهومی با درجه انتزاعی زیاد است که در مباحث دانش سیاست و اخلاق، نقشی کلیدی و محوری، بازی می‌کند. اعتبار جهانی این اصل به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل‌ها و طرح‌های کاربردی انجامیده که دستیابی به

تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوار کرده است. از این رو، اختلاف زیادی درباره معنای عدالت و مصادیق اعمال عادلانه و ناعادلانه به وجود آمده است (Campbell, 2001, p. 1).

گرچه در شکل‌گیری هسته مقاوم هر دانشی که به مثابه کلان‌نظریه آن دانش عمل می‌کند و قوام پارادیمی به آن وابسته است، اجماع و توافق نظری و تعهد و التزام روش‌شناختی عالمان به آن، شرط اولی است، لیکن برای تبیین مدل، می‌توان چنین تصور کرد که به عنوان نمونه، سازه «عدالت» به مثابه زیربنایی مفهومی، مورد توافق و اجماع عالمان واقع شده است. بر این مبنا می‌توان تبیینی از مدل لاکاتوش-کوهن در حوزه مدیریت اسلامی، عرضه کرد که به روشن‌تر شدن ابعاد و زوایای مدل کمک کند. به طور مشخص، «عدالت حق‌مدار» را مبتنی بر آموزه‌های حق‌مدارانه امیرمؤمنان در «نهج‌البلاغه» - که گاه به مترادف و گاه به تقارن عدل و حق، در کنار هم یا ملازم هم آمده است - (پورعزت، ۱۳۸۳)، می‌توان هسته مقاوم پارادیم مدیریت اسلامی در نظر گرفت. با تحلیل منطقی عبارات نهج‌البلاغه در قلمرو «اداره حوزه عمومی»^{۴۴}، می‌توان به سه کارکرد مهم تأمین امنیت، افزایش رفاه عمومی و مشارکت آگاهانه مبتنی بر حق‌طلبی اشاره کرد (پورعزت، ۱۳۸۰).

در هر سه کارکرد فوق، عدالت حق‌مدار به بازتفسیر و بازخوانی نیاز دارد. مثلاً، اگر کارکرد عدالت حق‌مدار در بعد افزایش رفاه اجتماعی را به «افزایش سطح آزادی» مردم از کالاها و خدمات با قیمت و کیفیت مناسب باز تعریف کنیم آن گاه می‌توان انتظار داشت که خط‌مشی عمومی دولت در حوزه تجارت برای تحقق راهبرد فوق، مبتنی بر هسته مقاوم و کلان‌نظریه «عدالت حق‌مدار»، آن است که بازار داخلی نسبت به کالاهای بیگانگان باز شود و تولیدکنندگان داخلی و خارجی از فرصت‌های یکسان برخوردار شوند. این در حالی است که با اجرای این خط‌مشی، صنایع داخلی با ورشکستگی روبه‌رو می‌شود؛ در این حال، قاعده نفی سبیل^{۴۵} که هر گونه سیطره کفار بر مسلمانان را رد می‌کند و دلالت بر حرمت هر گونه علو و برتری کفار بر مسلمانان دارد (الایروانی، ۱۳۸۵، ص ۸۴)، به عنوان کمربند محافظ، از ابطال اصل عدالت، جلوگیری و سیاست حمایتی دولت و جلوگیری از سیطره و سلطه اقتصادی کفار را

عین عدالت، تفسیر می‌کند و مانع از ورشکستگی صنایع داخلی می‌شود. بنا بر قاعده نفی سبیل، «عدالت رویه‌ای»^{۴۶} درباره حمایت از صنایع داخلی و حمایت حقوق مصرف‌کنندگان برقرار می‌شود.

همچنین، اگر کنش اقتصادی عدالت‌محور نظام ارتباطات اجتماعی ما، این باشد که ربا، مطلقاً حرام اعلام شود و همه اقسام و انواع آن حرام تلقی گردد، در نتیجه، ربای مسلمان از کافر حربی نیز، طبق اصل عدالت، حرام می‌شود. چرا که اگر علت صدور قوانین در نظام حقوقی بر مبنای عدالت بازخوانی شود، ربای مسلم از کافر حربی نیز خلاف مقتضای عدل است. این در حالی است که در فقه امامیه، ربای مسلمان از کافر حربی حرام نیست (الایروانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵). در این حال، برای جلوگیری از ابطال اصل عدالت، از نظریه «عدالت پسااحکامی» استفاده می‌شود.

به طور کلی، دو رویکرد اصلی در نسبت میان «عدالت و شریعت» وجود دارد: رویکرد «پیشااحکامی» به عدالت که قائل به تقدم اصل عدالت بر فرایند استنباط حکم است و هر حکمی را که در نهایت، فرایند استنباطش، کشف و خلاف مقتضای عدل، تلقی شود مردود و منسوخ می‌داند؛ و دیگری، رویکرد «پسااحکامی» به عدالت که بیان می‌کند اینکه «عدالت چه چیزی است» را ما قبل از بیان حکم تعیین نمی‌کنیم، بلکه پس از فرایند استنباط حکم، عدل همان چیزی است که از استنباط احکام یافته‌ایم. بدین ترتیب، با طرح نظریه «عدالت پسااحکامی» که بازتفسیری از عدالت در فرایند کشف احکام است، از ابطال کلان نظریه «عدالت» - که هسته مقاوم در پارادیم سیستم اجتماعی است - از ربای مسلم از کافر حربی، جلوگیری کرده‌ایم. بنابراین، همچنان با حفظ اصل عدالت، «عدالت مراوده‌ای»^{۴۷} در تعاملات اقتصادی میان مسلمانان و کفار حربی، شکل ویژه‌ای می‌یابد.

۴-۳. کارکرد مدل تلفیقی لاکاتوش-کوهن در مطالعات مدیریت اسلامی

مدل تلفیقی لاکاتوش-کوهن در مطالعات مدیریت اسلامی، ما را از حصرگرایی روش‌شناختی، خارج و مطالعه تطبیقی در مدیریت با آموزه‌های اسلامی را به مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای تبدیل می‌کند؛ به طوری که بتوان با استفاده از این مدل روش‌شناختی، از

کلان نظریه مدیریت اسلامی در برابر کلان نظریه های رقیب، دفاع کرد. تا وقتی که مجموعه ای از مطالعات، به کلان نظریه، تبدیل نشده باشد، امکان رقابت با سایر کلان نظریه ها نخواهد داشت. بنابراین، روش شناسی مطالعات میان رشته ای نباید به گونه ای باشد که حاصل آن، صرفاً، تطبیق یا تلفیق خرده نظریه ها باشد.

روش شناسی کلان نظریه ها، باید مشخص کند که خرده نظریه های جدید در کجای مدل قرار می گیرند و چگونه زمینه توسعه یا احتمالاً انحطاط کلان نظریه را فراهم می کنند؟ و یا چگونه می توان از ابطال کلی پارادیم موجود به دست نظریه های جدید جلوگیری کرد؟

مغالطه ای که محققان، عموماً، در مطالعات تطبیقی گرفتار آن می شوند، مغالطه «این مثل آن، پس این همان» است. برای مثال، محقق مدیریت اسلامی به صرف جمع آوری آیات یا روایاتی در باب رضایت کارکنان، تناظری میان پارادیم اسلامی و نهضت روابط انسانی برقرار می کند.

۴. تبیین مدل مفهومی

بررسی پیشینه نظری ادبیات مدیریت اسلامی در ایران نشان می دهد که می توان شش رویکرد را در مطالعات مدیریت اسلامی به شرح زیر دسته بندی کرد:

- ۱- رویکرد مبتنی بر استناد به روایات و آیات؛
- ۲- رویکرد مبتنی بر استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی؛
- ۳- رویکرد مبتنی بر استدلال های عقلی؛
- ۴- رویکرد تطبیقی به مدیریت اسلامی؛
- ۵- رویکرد مبتنی بر استناد به نهج البلاغه؛
- ۶- رویکرد مبتنی بر اخلاق کارگزاران^{۴۸} (حنیفر، ۱۳۸۴).

۴-۱. تحلیل نمونه محتوای کتاب های مستند به آیات و روایات:

اگر کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن^{۴۹}، تألیف ولی الله نقی پورفر، نمونه کتاب های مستند به آیات و روایات در نظر گرفته شود:

نویسنده، کتاب را با مقدماتی آغاز می‌کند که عمدتاً مبتنی بر نگاه دین‌شناختی مؤلف در فهم متن دینی است. در مقدمه اول، به نقش زمان و مکان در فهم متن و نقش نگاه حکومتی پیامبر در صدور احکام دینی اشاره می‌کند. در مقدمه دوم نیز، به زمینه‌های اصلاح و مصلحان جامعه، نسبت میان علم و دین و رفع شبهات معرفت‌شناختی در حوزه دین‌پژوهی، و در مقدمه سوم به مبانی پژوهش در قرآن می‌پردازد. بعد از مقدمات، نویسنده، پنج اصل مدیریت را با استناد به آیات و الگوهای عملی هر یک و با استناد به سیره معصومین -علیهم السلام- عرضه کرده است.

نگاه نویسنده به مدیریت اسلامی، تحت برنامه پژوهشی کلانی نمی‌گنجد. از میان اصولی که ایشان ذکر کرده‌اند، اصل آخرت‌گرایی می‌تواند به عنوان هسته مقاوم مورد اجماع قرار بگیرد و این، در حالی است که کمربند محافظی برای این برنامه و راهبردهایی سلبی و ایجابی، برای خرده‌نظریه‌های مدیریت رایج در نظر گرفته نشده است.

۴-۲. تحلیل نمونه محتوای کتاب‌های مستند به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی:

اگر کتاب مدیریت اسلامی^۴، تألیف سید علی‌اکبر افجه‌ای، نمونه کتاب‌های مستند به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی در نظر گرفته شود:

این کتاب از چهار بخش تشکیل شده است که از میان بخش‌های مذکور، بخش اول در حیطه مطالعه و بررسی این مقاله قرار می‌گیرد. مؤلف، میان علم و مکتب، تفاوت می‌گذارد و مدیریت اسلامی را از مقوله مکتب می‌داند. از نظر وی، مکتب، روش حل مسائل یا همان ایدئولوژی است و علم، دانشی است که پدیده‌های متفاوت را تفسیر و روابط آن‌ها را با یکدیگر تعیین می‌کند. مؤلف، علم مکتب را در هر جامعه‌ای مبتنی بر مکتب می‌خواند و تفاوت مدیریت اسلامی و دانش مدیریت رایج را در ثابت بودن اصول مکتب اسلام می‌داند (افجه‌ای، ۱۳۸۳، صص ۳ و ۴).

بدین ترتیب، مؤلف کتاب، میان هسته مقاوم و خرده‌نظریه‌های جانبی آن تفکیک قائل است، اما همچنان، برنامه پژوهشی منسجمی، شکل نگرفته و فرضیه‌های کمکی برای محافظت از هسته مقاوم و راهبردهای سلبی و ایجابی، ذکر نشده است.

۳-۴. تحلیل نمونه محتوای کتاب‌های مبتنی بر استدلال‌های عقلی:

اگر کتاب *امامت و رهبری*^{۵۱} استاد مرتضی مطهری به عنوان نمونه کتاب‌های مبتنی بر استدلال‌های عقلی در نظر گرفته شود نویسنده، ابتدا به بررسی معناشناختی «رشد» می‌پردازد و رهبری در اسلام را نوعی از رشد و حرکت در مسیر «رشاد» می‌داند. سپس به ارتباط معناشناختی مدیریت و «امامت» اشاره می‌کند. در ادامه نیز به اصول رهبری و وظایف خاص رهبر اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۳، صص ۳۱۲-۳۲۷).

نگاه مؤلف، بیشتر معناشناختی و تفسیری است و اصلاً در صدد عرضه برنامه پژوهشی برنیامده است.

۴-۴. تحلیل نمونه محتوای کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد تطبیقی:

اگر کتاب *مدیریت علمی و مکتبی از دیدگاه اسلام*^{۵۲}، تألیف عباس اختری، نمونه کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد تطبیقی در نظر گرفته شود:

فصل نخست کتاب با عنوان *مسائل جانبی*، به مسائل رشد و مدیریت، دسته‌بندی کلی مکاتب مدیریت، چرستی مدیریت اسلامی، مدیریت علمی و مکتبی، توهم جدایی علم از مکتب و ... پرداخته است. فصل دوم نیز دارای سه بخش مبانی و مسائل عمومی مدیریت، روابط انسانی، و مدیریت تولید است.

در اینجا هم، هسته مقاوم، شکل نگرفته است، زیرا مطالعه مورد نظر، مطالعه‌ای تطبیقی است، نه میان‌رشته‌ای؛ لذا جزء‌گرایانه و فاقد ساختار منظم و مرتبط است.

۵-۴. تحلیل نمونه محتوای کتاب‌های مدیریت اسلامی مستند به نهج‌البلاغه:

اگر کتاب *تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)*^{۵۳}، تألیف غلامرضا اشرف سمنانی، نمونه کتاب‌های مدیریت اسلامی مستند به نهج‌البلاغه در نظر گرفته شود:

کتاب، در شش فصل، تدوین شده است. در فصل اول، به کلیات تحقیق و در فصل دوم، به سیر تحول مدیریت در تاریخ زندگی انسان در جوامع باستان، جنبش مدیریت علمی و نظریه‌ها و مکاتب مدیریت، پرداخته شده است. فصل سوم کتاب، به

تاریخ عربستان و رهبری، مدیریت در اسلام و شیوه‌های مدیریت و رهبری علی (ع) اختصاص دارد.

نویسنده، در فصل سوم، بر مدیریت اسلامی به مثابه برنامه پژوهشی، تأکیدی نکرده و به نحو تلفیقی، خرده‌نظریه‌ها را بررسی کرده است.

۴-۶. تحلیل نمونه محتوای کتاب‌های مدیریت اسلامی مستند به اخلاق کارگزاران:

اگر کتاب اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام^۴، تألیف سید محمد رضا تاج‌الدینی، نمونه کتاب‌های مدیریت اسلامی مستند به اخلاق کارگزاران در نظر گرفته شود:

این کتاب، در نه فصل، تدوین شده است که پس از تعاریف و کلیات، به ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران در ارتباط با مردم، با مافوق، با یکدیگر، با زیردستان و اخلاق فردی هر یک و اخلاق مدیریتی‌شان اشاره کرده است.

ویژگی عمده کتاب‌های اخلاق کارگزاران، نگرش به دانش مدیریت به مثابه اخلاق حرفه‌ای است. بنابراین، این دسته از مطالعات فاقد برنامه پژوهشی نظری برای بسط دانش است و بیشتر رویکرد غیرنظری دارد. بنابراین، از حیطة مطالعه و بررسی ما، خارج است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی که در حوزه مدیریت اسلامی صورت گرفته است، این مسئله همواره مطرح است که پژوهش‌های مدیریت اسلامی، اولاً، پژوهش‌های دانش منفرد و مستقلی محسوب نمی‌شود، بلکه از آبشخور مطالعات اسلامی و دانش مدیریت سیراب می‌شود. ثانیاً، مطالعات موجود، تطبیقی و به دنبال یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها هستند و روش‌شناسی منقح و مدونی ندارد.

این مقاله با بررسی موانع توسعه علوم انسانی، مهم‌ترین مانع برای نظریه‌پردازی را در علوم انسانی، مانع روش‌شناختی معرفی کرده است. مدیریت اسلامی به عنوان مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای، به مدل روش‌شناختی کثرت‌گرا و پویا برای نشان دادن ارتباط

محکم و وثیق میان ثابتات دین (اصول اسلامی) و متغیرات دین و پویایی‌های موجود در نظریه‌های مدیریت نیاز دارد.

مدل تلفیقی لاکاتوش-کوهن، مدلی است که می‌تواند با برقراری ارتباط قاعده‌مند، میان چارچوب‌های فکری موجود در پارادیم اسلامی و نظریه‌های مدیریت، مدلی روش‌شناختی برای نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی، عرضه و مطالعات تطبیقی مدیریت اسلامی را به مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای تبدیل کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات موجود در حوزه مدیریت اسلامی، دارای برنامه پژوهشی نبوده و به ایجاد پارادیم منجر نشده است. بنابراین، فرضی پژوهش، تأیید می‌شود. با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱- صاحب‌نظران مدیریت اسلامی، در خصوص هسته مقاوم به اجماع برسند، زیرا اولین گام در ایجاد پارادیم مدیریت اسلامی، اجماع نظر عالمان در پذیرش، هسته مقاوم جامع است. تا وقتی این اجماع صورت نگیرد، شکل‌گیری این پارادیم امکان‌پذیر نیست.

۲- مطالعاتی درباره ویژگی‌های هسته مقاوم در مدیریت اسلامی انجام شود.

۳- فرضیه‌های کمکی کمربند محافظ شکل گیرد و راهبردهای ایجابی برای توسعه خرده‌نظریه‌های مدیریت اسلامی تدوین شود.

یادداشت‌ها

1. definition
2. at work
3. sub-optimization
4. Comparative Study
5. Inter- Disciplinary Study
6. Multiple-Origins

مسائل چندتباری، مسائلی است که نمی‌توان آن‌ها را به مسائل متفاوتی تجزیه کرد، ولی، از منظرهای متفاوت قابل بررسی و تفسیر است.

7. Methodological exclusivism
8. Chaotic Pluralism
9. Stereotyping
10. Dominate Paradigm
11. Functionalist
12. Instrumental rationality

- 13. Knowledge
- 14. Inter subjectivity Communication
- 15. Post modernism
- 16. Rhetoric

۱۷. در کلمات قصار نهج البلاغه، این واقعیت روان‌شناختی چنین آمده است: «الناس اعداء ما جهلوا»

- 18. Holistic perspective
- 19. Methodological exclusivism
- 20. Fallacy of misplaced concreteness (مغالطه واقعیت بدجاافتاده)
- 21. Reductionism
- 22. Nothing but
- 23. Disciplinary Study
- 24. Academic Sectarianism

این اصطلاح از بارل و مورگان، وام گرفته شده است. ر.ک: بارل و مورگان، ۱۳۸۳.

- 25. Discovery
- 26. Judgment
- 27. Thomas Kuhn
- 28. Margaret Masterman

۲۹. کوهن تصور می‌کند که ساختار علم چنین است: پیش‌علم، علم عادی، بحران، انقلاب علم عادی جدید، و بحران جدید درون علم عادی. عالمان، سرگرم حل معما و توسعه پارادیم هستند و پدیده‌های جدید را با اصول پارادیم تطبیق می‌دهند.

- 30. Puzzle-Solving
- 31. Negative Heuristic
- 32. Positive Heuristic
- 33. Hard Core
- 34. Protective belt
- 35. Auxiliary hypotheses
- 36. Meta theory
- 37. Bounded theory
- 38. Methodology of Scientific Research Programs: MSRP
- 39. The Structure of Scientific Revolution
- 40. Gestalt-switch

۴۱. این اصطلاح از آقای پورعزت، وام گرفته شده است. ر.ک. پور عزت، ۱۳۸۲.

۴۲. اینکه هسته مقاوم در مدیریت اسلامی چیست، نیاز به پژوهش و نوشتاری دیگر دارد.

- 43. Grand theory
- 44. Public sphere administration

۴۵. و لن يجعل الله للکافرين على المؤمنين سبيلاً (نساء، ۱۴۱)

- 46. Procedural justice
- 47. Interactional justice

۴۸. خنیفر در مقاله «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، هفت رویکرد را در آثار مدیریت اسلامی، در ایران، شناخته است که مؤلفان مقاله معتقدند، رویکرد هفتم یعنی رویکرد ادبی را نمی‌توان هم‌عرض سایر رویکردها قلمداد کرد و لذا در تبیین مدل مفهومی خود، آن را کنار گذاشتند.

۴۹. نقی‌پورفر، ولی‌الله. (۱۳۷۶). *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۵۰. افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۷). *مدیریت اسلامی*. تهران: جهاد دانشگاهی.

۵۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *امامت و رهبری*. قم: صدرا.

۵۲. اختری، عباسعلی. (۱۳۷۳). *مدیریت علمی و مکتبی از دیدگاه اسلام*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۵۳. اشرف سمنانی، غلامرضا. (۱۳۶۸). *تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)*. تهران: بعثت.

۵۴. تاج‌الدینی، سیدمحمدرضا. (۱۳۷۶). *اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

کتابنامه

قرآن کریم

افجه‌ای، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، *مدیریت اسلامی*، تهران: جهاد دانشگاهی.

الایروانی، باقر (۱۳۸۴)، *دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی*، قم: منشورات المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.

همو (۱۳۸۵)، *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*، قم: منشورات المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.

باربور، ایان (۱۳۸۴)، «مدل‌ها و پارادیم‌ها در علم و دین»، ضمن، ترجمه پیروز فطوریچی، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۱۹۲-۱۴۵.

بارل، گیسیون؛ مورگان، گارت (۱۳۸۳)، *نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان*، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت.

پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، «مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی»، *دانش مدیریت*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۱۸-۸۳.

- همو (۱۳۸۲)، طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی، بر مبنای عدل حکومت حق‌مدار علوی در نهج‌البلاغه، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- همو (۱۳۸۳)، «مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق‌مدار (بر اساس نهج‌البلاغه)»، دانش‌ور رفتار، سال یازدهم، شماره ۵، صص ۳۸-۱۱.
- چالمرز، آلن اف (۱۳۷۹)، چپستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.
- حنیفر، حسین (۱۳۸۴)، تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب، فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۰۲-۱۵۱.
- دنهارت، رابرت بی (۱۳۸۲)، تئوری‌های سازمان دولتی، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
- رضائیان، علی (۱۳۸۳)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۳ الف)، اصول و فنون پژوهش، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- همو (۱۳۸۳ ب)، «موانع روش‌شناختی توسعه علوم انسانی»، تبسات، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- گلاس، ج. س. و جانسون، و. (۱۳۷۳)، اقتصاد؛ پیشرفت، رکود یا انحطاط، درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد، ترجمه محسن رنایی، اصفهان: فلاحت ایران.
- لاکاتوش، ایمره (۱۳۷۵)، «علم و شبه علم»، مجموعه مقالات دیدگاه‌ها و برهان‌ها (۱۰۵-۱۱۷)، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: نشر مرکز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- هیچ، ماری جو (۱۳۸۵)، تئوری سازمان، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: افکار.
- Campbell, T. (2001), *Justice*, London: Macmillan press LTD.
- Kuhn, T. S. (1972), "Notes on lakatos", *Boston studies in the philosophy of science*, Vol. VIII, Pp. 137-146.
- Lakatos, I. (1978), "The methodology of scientific research programs", In J. Worrall & G. Currie (eds.), *Philosophical papers* (Pp. 8-101), Cambridge: Cambridge University Press, Vols. 1 & 2.
- Lakatos, I. & Musgrave, A. (1970), *Criticism & the Growth of Knowledge*, Cambridge: Cambridge University press.
- Morgan, G. (1997), *Image of Organization*, London : Sage.
- Simon, H. A. (1957), *Administrative Behavior: A Study of Decision-Making Processes in Administrative Organizations*, New York: Macmillan Co.